



## افزایش تنش در مناسبات جمهوری اسلامی با اروپا و آمریکا

با ادامه جنگ در غزه بار دیگر اختلافات میان جمهوری اسلامی با قدرت‌های اروپائی و آمریکا بالاگرفته است.

در حالی که از همان آغاز ماجرای حمله ۷ اکتبر حماس به اسرائیل و لشکرکشی اسرائیل به غزه برکسی پوشیده نبود که جمهوری اسلامی ایران مستقیم و غیرمستقیم یکطرف این درگیری است، اما دولت آمریکا و اسرائیل پی‌درپی تأکید می‌کردند که هیچ دلیلی مبنی بر دخالت جمهوری اسلامی در این جنگ ندیده‌اند. علت آن نیز پوشیده نبود. نفع همه در این بود که جنگ از محدوده غزه فراتر نرود. اما تجاوز رژیم اسرائیل ادامه یافت. گروه‌های اسلام‌گرائی که شعارهای توخالی جمهوری اسلامی را در دفاع از فلسطین باور کرده بودند و چنین می‌پنداشتند در شرایطی که غزه در معرض ویرانگری و کشتار ارتش متجاوز اسرائیل قرار گرفته وقت عمل است، انتظارشان گویا این بود که لحظه موعود برای عمل فرارسیده و باید مستقیماً وارد درگیری شد. برای جمهوری اسلامی اما مسئله فلسطین همواره صرفاً یک دست‌آویز برای پیشبرد سیاست هژمونی‌طلبانه در منطقه خاورمیانه است و نه چیزی بیش از آن. بنابراین گرچه شکست یا تضعیف گروه‌های اسلام‌گرای فلسطینی در این استراتژی بی‌اهمیت نبود، اما نمی‌توانست نقش تعیین‌کننده‌ای در آن داشته

در صفحه ۲

## تاریخ هرگز جنایات صهیونیست‌ها را فراموش نخواهد

از جمله مخرب‌ترین و ویران‌گرترین حملات نظامی تاریخ است. در این جنگ ارتش اسرائیل از بمب‌هایی با قطر بیش از ۱۲ متر و وزن بیش از ۹۰۰ کیلوگرم استفاده کرده است که ۴ برابر سنگین‌تر از بزرگ‌ترین بمب‌هایی هستند که ارتش آمریکا در جنگ با داعش در موصل از آن‌ها استفاده کرد. در صفحه ۳

روز دوشنبه ۴ دیماه، جنگ تمام عیار ارتش صهیونیستی اسرائیل علیه مردم فلسطین در غزه و به بهانه‌ی عملیات وحشیانه‌ی حماس وارد هشتادمین روز خود شد. به اعتراف رسانه‌ها و خبرگزاری‌های بین‌المللی - که عموماً نظرات و اخبار مورد نظر صاحبان قدرت را منتشر می‌کنند - حمله نظامی به غزه

## تبعیض جنسیتی و مهاجرت زنان ایرانی

اخیراً روزنامه دنیای اقتصاد مطلبی در مورد افزایش آمار مهاجرت زنان ایرانی در سال ۲۰۲۱ (۱۴۰۰) منتشر کرده که بر اساس داده‌های منتشره ۵۲ درصد اقامت‌های صادر شده برای مهاجرین ایرانی در کانادا، ۴۹ درصد در استرالیا و ۴۵ درصد در فنلاند مربوط به زنان مهاجر بوده است. بهرام صلواتی مدیر رصدخانه مهاجرت ضمن ارائه این آمار افزوده است که این زنان مهاجر اکثراً تحصیل‌کرده‌اند و حداقل مدرک کارشناسی ارشد دارند. در آمار صندوق بین‌المللی پول نیز آمار مهاجرت ایرانیان تحصیل‌کرده سالانه بین ۱۵۰ تا ۱۸۰ هزار تن ذکر شده که شمار زیادی از آنها را زنان تشکیل می‌دهند.

در صفحه ۵

## یک قربانی دیگر

سمیرا سبزیان، کودکی که در سن ۱۵ سالگی شوهرش داده بودند و به اتهام قتل همسر خود در دادگاه کیفری یک استان تهران به "قصاص نفس" (اعدام) محکوم شده بود، سحرگاه روز چهارشنبه ۲۹ آذر ۱۴۰۲ در زندان قزل‌حصار کرج به دار آویخته شد. قربانی خاموش دیگری که به انبوه بی‌شمار قربانیان نظم موجود پیوست.

در صفحه ۶

## دادخواهی بزرگ، محاکمه و

## مجازات جنایتکاران در داخل کشور است

در صفحه ۸

از اعتصاب گسترده کارگران فولاد حمایت کنیم در صفحه ۷

اطلاعیه کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)

در صفحه ۴

به مناسبت درگذشت محمد سلطانی (ایوب مداین)

رد فرجام‌خواهی جلال حمید نوری

در صفحه ۹

به‌مثابه محکومیت جمهوری اسلامی!

اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست

در صفحه ۴

بدرود رفیق محمد سلطانی (ایوب مدائن)

## در سوگ رفیق محمد سلطانی



۱۰

## افزایش تنش در مناسبات جمهوری اسلامی با اروپا و آمریکا

باشد. باین وجود می‌بایستی واکنشی نشان دهد. این کار صرفاً می‌توانست از طریق نیروهای نیابتی انجام گیرد، تا جایی که لطمه‌ای به اساس استراتژی رژیم وارد نیلورد.

مهمترین این نیروی نیابتی حزب‌الله لبنان بود. اما حزب‌الله نمی‌توانست به‌عنوان یک پای قدرت در لبنان و شریک در زد و بندهای طبقه حاکم این کشور، وارد جنگی شود که موقعیتش را در داخل تضعیف کند. تنها می‌توانست چند اقدام نظامی نمایشی محدود در مناطق مرزی انجام دهد که تأثیری بر صحنه اصلی جنگ در غزه نداشت. در عراق نیز عملیات نظامی گروه‌های شبه‌نظامی بی‌نام‌نشان وابسته به جمهوری اسلامی به شلیک چند موشک به‌سوی پایگاه نظامی آمریکا در سوریه خلاصه شد که آن‌قدر هم جدی نبود که واکنش نظامی آمریکا را برانگیزد. در تنها موردی که دست جمهوری اسلامی کاملاً باز بود و می‌توانست خودی نشان دهد، ناامن کردن راه عبور و مرور دریای سرخ و باب‌المندب از طریق حملات موشکی و پهبادی حوثی‌های یمن به کشتی‌های تجاری بود. در اینجاست که بار دیگر اختلافات دولت‌های اروپایی و آمریکا با جمهوری اسلامی تشدید می‌شود، مستقیماً پای جمهوری اسلامی را به میان می‌کشند و فشارهای سیاسی به اشکال مختلف بر رژیم افزایش می‌یابد.

اهرم پرونده هسته‌ای بار دیگر فعال شد. روز دوشنبه ۲۷ آذر شورای امنیت سازمان ملل متحد در مورد اجرای قطعنامه ۲۲۳۱ این شورا که تضمینی بر اجرای برجام به شمار می‌رود، تشکیل جلسه داد و در جریان آن درباره فعالیت هسته‌ای، توسعه برنامه موشکی و تداوم اشاعه تسلیحات ایران که مغایر با آن قطعنامه است، بحث شد.

پی آمد آن انتشار بیانیه سه قدرت اروپایی، فرانسه، انگلیس و آلمان بود که در آن بر لزوم جلوگیری از دسترسی جمهوری اسلامی به بمب اتمی تأکید شده بود.

آن‌ها در بیانیه خود نوشتند که جمهوری اسلامی بیش از چهار سال است که تعهدات هسته‌ای خود را در چارچوب برجام که در قطعنامه ۲۲۳۱ تأیید شده، نقض کرده و هیچ توجیه غیرنظامی معتبری برای وضعیت برنامه هسته‌ای ایران وجود ندارد.

پیش‌از این آژانس بین‌المللی انرژی اتمی در جدیدترین گزارش خود اعلام کرده بود که فعالیت راستی آزمایی و نظارت آن به‌طور جدی تحت تأثیر توقف اجرای تعهدات هسته‌ای ایران تحت برجام قرار گرفته است.

بیانیه فرانسه، انگلیس و آلمان تأکید داشت: «خط سیر کنونی فعالیت‌های هسته‌ای ایران تنها این کشور را به توانایی‌های مرتبط با تسلیحات نزدیک می‌کند. این مهم‌ترین نگرانی برای صلح و امنیت بین‌المللی است.»

همچنین گسترش برنامه موشکی ایران و انتقال آن‌ها به گروه‌های شبه‌نظامی منطقه را موجب به خطر افتادن منطقه و جامعه بین‌المللی دانستند. یک روز پس از بیانیه سه قدرت اروپایی، قطعنامه کانادا در مورد نقض حقوق بشر و

حکومیت جمهوری اسلامی در رأی‌گیری مجمع عمومی سازمان ملل، به تصویب رسید.

اما هم‌زمان پای جمهوری اسلامی مستقیماً در اقدامات تروریستی در اروپا به میان کشیده شد. کشورهای اروپایی همواره تلاش کرده‌اند که بر اقدامات جنایت‌کارانه تروریستی جمهوری اسلامی در خاک اروپا سرپوش بگذارند. حتی دیپلمات تروریستی که قصد داشت با بمب‌گذاری در اجلاس مجاهدین صدها تن را قتل‌عام کند و در دادگاه محکوم نیز شد، به‌سادگی آزاد و به ایران بازگردانده شد. اکنون اما رسماً خبر از اقدامات تروریستی در کشورهای اروپایی داده می‌شود.

۲۷ آذر دادگاه منطقه دوسلدورف آلمان یک ایرانی-آلمانی را به دلیل حمله به کنیسه‌ای در شهر بوخوم در سال گذشته مجرم شناخت و به دو سال و نه ماه زندان محکوم کرد. دادگاه اقدامات تروریستی این فرد را تحت هدایت نهادهای دولتی ایران اعلام کرد.

یک روز بعد وزارت خارجه آلمان در اعتراض به دخالت جمهوری اسلامی در اقدام تروریستی، کاردار رژیم را احضار کرد.

این وزارتخانه گفت: «طبق حکم امروز دادگاه عالی منطقه‌ای دوسلدورف، حمله برنامهریزی‌شده به کنیسه‌ای در بوخوم در نوامبر ۲۰۲۲ به یک سازمان دولتی ایران مرتبط بود.» «ما هیچ خشونت تحت کنترل خارجی را در آلمان تحمل نخواهیم کرد. برای نتیجه‌گیری و اتخاذ اقدامات بعدی، همچنین در سطح اتحادیه اروپا (علیه ایران)، منتظر دلایل محکمه برای صدور حکم خواهیم بود.»

هم زمان خبر دیگری از اقدامات تروریستی رژیم این بار در انگلیس انتشار یافت. «آی‌تی‌وی‌نیوز» روز چهارشنبه ۲۹ آذر با انتشار گزارشی از قصد تروریست‌های وابسته به جمهوری اسلامی برای حمله تروریستی به استودیوهای شبکه تلویزیونی ایران اینترنشنال در لندن خبر داد.

این گزارش می‌گوید تروریست‌ها در ابتدا قصد داشتند با استفاده از یک خودروی بمب‌گذاری‌شده به استودیوی این شبکه حمله کنند، اما با گذشت یک ماه به دلیل نگرانی‌شان از انجام این حمله، تصمیم گرفته شد تا با چاقو مجریان را به قتل برسانند.

بر اساس این گزارش، عوامل جمهوری اسلامی برای انجام این عملیات تروریستی به یک قاچاقچی انسان مبلغ ۲۰۰ هزار دلار پیشنهاد داده و از او خواسته بودند سیما ثابت و فرداد فرزاد، دو مجری این شبکه ایران اینترنشنال را در لندن به قتل برسانند.

اما اقدامات موشکی گروه حوثی‌ها در دریای سرخ، اختلافات را وارد مرحله جدیدی کرد. امپریالیسم آمریکا برای مقابله با حملات موشکی و پهبادی حوثی‌ها به کشتی‌هایی که از دریای سرخ و باب‌المندب می‌گذرند، ائتلافی از نیروهای دریایی ۱۰ کشور متشکل از یگان‌های ضربت دریایی چندملیتی از جمله شامل کشورهای بریتانیا، فرانسه، ایتالیا، هلند، نروژ، کانادا، بحرین، سیشل و اسپانیا تشکیل داد. این

دولت‌ها قرار است نیروی ضربتی ناوگان جنگی خود را به دریای سرخ گسیل دارند.

در همین حال وزیر دفاع آمریکا به جمهوری اسلامی ایران اخطار داد از حمایت حوثی‌ها دست بردارد.

۳۰ آذر ماه جوزپ بورل، رئیس سیاست خارجی اتحادیه اروپا نیز، بر همکاری اتحادیه اروپا با آمریکا برای دفع تهدیدات حوثی‌ها در دریای سرخ علیه کشتی‌رانی بین‌المللی تأکید کرد. وی نوشت: «اقدامات غیرمسئولانه حوثی‌ها تهدیدی علیه آزادی کشتی‌رانی در دریای سرخ است.»

او سپس خبر داد که در نشست کمیته سیاسی و امنیتی اتحادیه اروپا که در این روز به درخواست او برگزار شد، کشورهای عضو موافقت کردند که نیروی دریایی اتحادیه اروپا با گسترش «عملیات آتلانتا» در طرح ایالات‌متحده برای تضمین امنیت در دریای سرخ مشارکت کند. در همین حال خبر از حمله پهبادی جمهوری اسلامی به یک کشتی در اقیانوس هند انتشار یافت.

این تشنج و منازعه همچنان در حال افزایش است، اما به نظر نمی‌رسد که خطر فوری درگیری‌های نظامی را در پی داشته باشد. بیشتر این احتمال هست که جمهوری اسلامی در برابر اقدامات نظامی قدرت‌های امپریالیست عقب‌نشینی کند. اما گسیل نیروی ضربتی ناوگان جنگی قدرت‌های امپریالیست به دریای سرخ، بار دیگر این واقعیت را نشان می‌دهد که اقدامات جمهوری اسلامی همواره دست‌آویزی برای مداخلات سیاسی و نظامی قدرت‌های امپریالیست‌ها در خاورمیانه بوده و در نهایت به نفع آن‌ها تمام‌شده است.

به هر رو این اقدام نظامی هم جزئی از مجموعه فشار سیاسی بر جمهوری اسلامی برای به عقب واداشتن آن است و آن را باید در چارچوب اختلافات و منازعات خانوادگی میان قدرت‌های امپریالیستی و ارتجاعی ارزیابی کرد که در سراسر دوران موجودیت جمهوری اسلامی ادامه داشته و دارد. اختلافاتی که گرچه در مقطعی تشدید شده‌اند، اما در این واقعیت تغییری نمی‌دهند که جمهوری اسلامی همواره موردحمایت قدرت‌های امپریالیست غربی و شرقی قرار داشته و پاسدار منافع آن‌ها است.



## تاریخ هرگز جنایات صهیونیست ها را فراموش نخواهد

این بمب‌ها در حالی بر سر مردم غزه فرو ریخت که می‌توانند تا فاصله بیش از ۳۰۰ متر انسان‌ها را کشته و یا زخمی کنند، آن‌هم در یکی از پرتراکم‌ترین مناطق جهان. براساس اعلام این رسانه‌ها ۹۰ درصد بمب‌های ریخته شده بر سر مردم ستمدیده فلسطین، ساخت آمریکا هستند و دولت این کشور آن‌ها را تحویل ارتش اسرائیل داده است. یکی از این گزارشات براساس تحقیقات دو کارشناس دانشگاه شهر نیویورک و دانشگاه ایالتی اورگان تهیه شده است. مارک گارلاسکو، تحلیلگر سابق اطلاعات دفاعی آمریکا و بازرس سابق جنایات جنگی در سازمان ملل متحد، در این رابطه گفت: "میزان بمباران اسرائیل در غزه طی ماه اول جنگ از زمان جنگ ویتنام تاکنون بی‌سابقه بوده است".

به گزارش CNN و به نقل از شاهدان عینی، در جریان حمله به بیمارستان "کمال عدوان" در شمال نوار غزه، سربازان اسرائیلی اجساد دفن شده در حیاط این بیمارستان را بیرون کشیدند و با بولدوزر از روی آن‌ها عبور کردند. آن‌ها هم چنین پس از پایان بازجویی از چند تن از کادر درمانی بیمارستان، به سوی آن‌ها شلیک کرده و آن‌ها را به قتل رساندند.

در حالی که اخبار منتشره از سوی منابع فلسطینی حکایت از کشته شدن بیش از ۲۰ هزار فلسطینی در این مدت است و این آمار با آمار سازمان ملل و حتا وزرات خارجه دولت اسرائیل خوانایی دارد، به‌گفته‌ی "دانی پوله" پژوهشگر سلامت جمعیت دانشگاه بیل آمریکا، با توجه به این‌که آمار کشته‌شدگان براساس اجساد است که به سردخانه منتقل شده‌اند و ادامه حالت جنگی در مناطق ویران شده که بسیار وسیع هستند، تعداد کشته‌شدگان بیش از آمارهای اعلام شده است.

همچنین بیماری‌های واگیردار و گرسنگی مردم غزه را تهدید می‌کند. به گزارش یونیسف تقریباً تمامی ساکنان غزه با گرسنگی حاد روبرو هستند. در این میان حدود ۳۳۵ هزار کودک زیر ۵ سال در معرض خطر سوءتغذیه شدید و مرگ قابل پیش‌بینی قرار دارند. هم اکنون هیچ بیمارستانی در شمال غزه فعال نیست و بسیاری از بیمارستان‌ها و مراکز درمانی در جنوب غزه نیز از کار افتاده یا با حداقل امکانات مشغول به کار هستند.

در این مدت همچنین هزاران فلسطینی دستگیر و به اسرائیل منتقل شده‌اند. هم اکنون تعداد زندانیان فلسطینی در بازداشتگاه‌های اسرائیل به بیش از ۸ هزار تن رسیده است. دستگیری ۸۰ درصد فلسطینیانی که از آغاز جنگ تاکنون بازداشت شده‌اند با توسل دولت اسرائیل به قانون "مقررات اداری" بوده است. براساس این قانون دولت اسرائیل می‌تواند زندانیان را بدون ارائه کیفرخواست همچنان در زندان نگاه دارد. تاکنون چندین زندانی فلسطینی در زندان و در زیر شکنجه جان خود را از دست داده‌اند.

براساس جدیدترین گزارش سازمان جهانی کار (ILO) که ۲۹ آذر انتشار یافت، ۶۶ درصد از مشاغل، معادل ۱۹۲ هزار شغل در باریکه غزه از بین رفته است. همچنین ده‌ها هزار کارگر

فلسطینی که برای کار از غزه به اسرائیل می‌رفتند کار خود را از دست داده‌اند. هم‌همی این‌ها به وضعیت فاجعه‌بار مردم غزه دامن می‌زند. وضعیت فقر در غزه حتا پیش از جنگ نیز بسیار وخیم بود و حدود نیمی از جمعیت غزه زیر خط فقر زندگی می‌کردند.

دولت صهیونیستی اسرائیل نمی‌توانست مرتکب این جنایت علیه بشریت در نوار غزه (و کرانه باختری) شود، اگر حمایت و پشتیبانی دولت‌های امپریالیستی نبود. از جمله نمونه‌های این واقعیت را می‌توان در تحویل سلاح و کمک‌های مالی دولت آمریکا و متحدان اروپایی آن مشاهده کرد.

به‌گفته‌ی وزیر خزانهداری اسرائیل هزینه روزانه جنگ غزه برای دولت اسرائیل ۲۴۶ میلیون دلار است که با احتساب گذشت ۸۰ روز از جنگ، هزینه دولت اسرائیل تاکنون به حدود ۲۰ میلیارد دلار رسیده است و این امر بدون کمک‌های بی‌شائبه دولت آمریکا با همراهی متحدان اروپایی آن ممکن نمی‌بود.

یک نمونه‌ی دیگر افضاحیست که در این مدت در شورای امنیت سازمان ملل شاهد آن بودیم. بعد از مدت‌ها ناکامی شورای امنیت در تصویب قطعنامه برای پایان دادن به جنگ، قطعنامه‌ای در روز جمعه اول دی‌ماه به‌تصویب رساند که به مفهوم کامل کلمه هیچ کمکی به پایان جنگ و آرام مردم غزه نکرد. سازمان پزشکان بدون مرز با انتشار پیامی در شبکه ایکس نوشت "این قطعنامه کمکی به بهبود وضعیت انسانی در غزه نمی‌کند".

حتا یک بند قطعنامه که خواستار "پایان دادن به خصومت‌ها" بود و از سوی نماینده روسیه پیشنهاد شده بود، با مخالفت نماینده آمریکا در لحظه‌ی آخر و برای جلوگیری از وتوی قطعنامه از متن آن حذف شد. متن نهایی تصویب شده توسط شورای امنیت برای جلب رضایت دولت آمریکا با پیش‌نویس ارائه شده از سوی دولت امارات متحده عربی تفاوت‌های بسیاری دارد.

پیش از این دو قطعنامه برای پایان جنگ در غزه به تصویب مجمع عمومی سازمان ملل رسیده بود، اما قطعنامه‌های مجمع عمومی سازمان ملل از نظر حقوقی الزام‌آور نیستند. همان‌طور که سال‌ها صدور قطعنامه در مورد نقض حقوق بشر در ایران توسط مجمع عمومی سازمان ملل هیچ نتیجه‌ای دربر نداشته است.

همچنین باید تاکید کرد که اگرچه قطعنامه‌های مصوب شورای امنیت از نظر حقوقی برای کشورهای عضو الزام‌آور هستند، اما در عمل دولت اسرائیل هرگز واقعی به این قطعنامه‌ها ننهاده است. همان‌طور که قطعنامه اخیر نیز از سوی نماینده دولت اسرائیل رد شد. نماینده دولت اسرائیل در سازمان ملل از این‌که قطعنامه فوق حمله حماس به اسرائیل را محکوم نکرده است، ابراز ناامیدی کرد و گفت "این قطعنامه فاقد موضوعیت است".

گروه حماس نیز قطعنامه شورای امنیت را ناقص خواند. گروه حماس با بیان این‌که قطعنامه خواستار توقف جنگ نشده است، آن را برخلاف مصوبه مجمع عمومی سازمان ملل دانست.

برخلاف حماس، دولت خودگردان فلسطین که امور کرانه باختری را در دست دارد از این قطعنامه در محدوده‌ای استقبال کرد و ابراز خوش‌بینی نمود که این قطعنامه بتواند به تجاوز دولت اسرائیل به غزه پایان داده و با تضمین کمک به مردم غزه از آن‌ها دفاع کند.

قطعنامه شورای امنیت که با ۱۳ رای مثبت و دو رای ممتنع دولت‌های آمریکا و روسیه به تصویب رسید تنها خواستار "تسهیل امدادسانی به ساکنان نوار غزه و ایجاد شرایط لازم برای رسیدن به آتش‌بس در غزه" شده است.

نتانیا‌هو یک روز قبل از تصویب قطعنامه در شورای امنیت در پیامی ویدئویی گفته بود: "ما جنگ را تا آخر ادامه خواهیم داد. این جنگ تا نابودی حماس ادامه خواهد داشت، تا پیروزی. هرکس تصور می‌کند که ما متوقف می‌شویم، به شدت از واقعیت دور است".

او در حالی این سخنان را بر زبان آورد که روز سه شنبه رئیس‌جمهور اسرائیل در نشستی با سفرای اسرائیل گفته بود: "اسرائیل آماده یک وقفه بشردوستانه دیگر و انتقال کمک‌های بشردوستانه بیشتر است تا بتواند گروگان‌ها را آزاد کند". پیش از این رئیس موساد برای مذاکره غیرمستقیم با حماس در مورد آتش‌بس به قطر و مصر رفته بود و اسماعیل هنیه رهبر حماس نیز پس از مذاکره با وزیر خارجه جمهوری اسلامی در قطر، برای مذاکره با مقامات مصر در مورد آتش‌بس به این کشور سفر کرده بود. همان زمان اخباری به نقل از اسماعیل هنیه در مورد امکان آتش‌بس موقت و آزادی ۴۰ گروگان اسرائیلی توسط حماس در رسانه‌ها درج گردیده بود که با گذشت دو روز حماس با صدور اطلاعیه‌ای آزادی گروگان‌های اسرائیلی را تا قبل از پایان جنگ منتهی اعلام کرد. حماس در این اطلاعیه نوشت: "گروه‌های فلسطینی چشم انداز آزادی بیشتر گروگان‌ها را تا زمانی که اسرائیل با پایان دادن به جنگ در غزه موافقت نکند، رد کرده‌اند. این یک تصمیم ملی فلسطینی است که نباید در مورد زندانیان و یا تبادل آن‌ها صحبت کرد، مگر پس از توقف همه‌جانبه جنگ".

اما در همین اثنا شواهد مهمی از تغییر در موضع حماس در رابطه با چگونگی حل مساله فلسطین ظاهر شده است که با توجه به شرایط کنونی موضع مهمی می‌باشد. در روزهای اخیر برخی از رهبران این گروه از جمله اسماعیل هنیه مذاکره با دولت اسرائیل و پیدا کردن راه حل سیاسی برای فلسطین را مطرح کردند که این برخلاف موضع همیشگی حماس است که تا پیش از این به کمتر از نابودی اسرائیل راضی نبود.

حسام بردان از اعضای دفتر سیاسی حماس در این رابطه به "وال‌استریت ژورنال" گفت: "ما می‌خواهیم یک کشور فلسطینی در نوار غزه، کرانه باختری و بیت‌المقدس ایجاد کنیم". وی همچنین از گفتگو با سازمان آزادیبخش فلسطین برای توافق بر سر اداره مناطق فلسطینی بعد از جنگ پرده برداشت و گفت: "گفتگوی ملی در جریان است. ما همواره گفته بودیم که سازمان آزادی‌بخش فلسطین باید تمامی گروه‌های فلسطینی را در برگیرد". از سوی دیگر محمد اشته‌نخست‌وزیر دولت خودگردان فلسطین نیز با بیان این‌که دولت اسرائیل نمی‌تواند حماس را



**اطلاعیه شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست**  
**بدرود رفیق محمد سلطانی (ایوب مدائن)**

متأسفانه رفیق ایوب مدائن بر اثر بیماری سرطان و در یک نبرد طولانی با این بیماری، ساعت ۱۲:۳۰ روز چهارشنبه ۲۰ دسامبر برابر 29 آذر 1402 برای همیشه ما را تنها گذاشت. رفیق محمد (ایوب) همچون یک کمونیست پیگیر و خستگی ناپذیر نزدیک به نیم سده فعالیت سیاسی داشت و همواره قلبش برای آزادی و برابری و رهایی انسان تپید. او در سال ۱۳۳۵ در شهرستان گرمی آذربایجان به دنیا آمد و فعالیت سیاسی خود را از دبیرستان علمیه تهران که فضای سیاسی پرشوری علیه دیکتاتوری سلطنتی داشت، شروع و سپس به صفوف هواداران سازمان چریکهای فدایی خلق پیوست. در سال ۱۳۵۸ وارد دانشگاه ادبیات و علوم انسانی شد و با دانشجویان پیشرو و در بخش محلات شرق تهران همکاری داشت. بعد در انشعاب سال ۱۳۵۹ به صفوف "اقلیت" پیوست و در سال ۱۳۶۴ مجبور به ترک ایران شد. رفیق محمد در آغاز دهه نود میلادی به هسته اقلیت پیوست و آنها را در پروژه های "اتحاد چپ و کارگری" و "اتحاد انقلابی نیروی های چپ و کمونیست" نمایندگی کرد. او در سال ۲۰۱۴ از هسته اقلیت فاصله گرفت، اما بصورت مستقل پیگیرانه تلاش خود را در راستای همکاری نیروهای چپ و کمونیست ادامه داد. او ضمن حفظ رابطه و همراهی اش با رفقای هسته، با مشارکت در کنگره ها و کنفرانس های احزاب و سازمان های انقلابی کمونیست و نیز گفتگوها و مصاحبه های تلویزیونی، تاکید خاصی روی ضرورت همکاری نیروهای چپ و کمونیست داشت و در این راستا یکی از یاران و همراهان "شورای همکاری" بود. شورای همکاری نیروهای چپ و کمونیست خاموشی رفیق محمد (ایوب) را به تمام رفقا و دوستانش، به خانواده اش مخصوصا همسرش سوسن و پسرانش تایماز و پویان و بستگانش تسلیت می گوید و خود را در غم و اندوه مرگ این رفیق فراموش نشدنی شریک می داند. بدون شک فقدان او و سخنان پرشور و اعتقاد راسخ و تزلزل ناپذیرش علیه سرمایه داری هرگز فراموش نمی شود.

**یاد عزیزش گرمی و راهش پر رهرو باد!**  
**۲۹ آذر ۱۴۰۲ - ۲۰ سپتامبر ۲۰۲۳**

امضاها: اتحاد فدائیان کمونیست، اتحاد سوسیالیستی کارگری، حزب کمونیست ایران، حزب کمونیست کارگری ایران - حکمتیست، سازمان راه کارگر، سازمان فدائیان (اقلیت) و هسته اقلیت



**اطلاعیه کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)**

**به مناسبت درگذشت محمد سلطانی (ایوب مدائن)**



متأسفانه امروز ۲۰ دسامبر ۲۰۲۳ با خبر شدیم که جنبش چپ و کمونیستی ایران یکی از رفقای با ارزش خود، محمد سلطانی (ایوب مدائن) را از دست داد. رفیق یکی از فعالین سازمان چریکهای فدایی خلق ایران بود که قبل و بعد از قیام بهمن ماه ۱۳۵۷ با سازمان ارتباط داشت. در انشعاب بزرگ سازمان با نفی مواضع رفرمیستی اکثریت، موضع انقلابی اقلیت را برگزید و با سازمان به فعالیت خود ادامه داد. در آخرین انشعاب سازمان با هسته اقلیت فعالیت داشت و بعد از جدایی از هسته اقلیت در سال ۲۰۱۴ به عنوان یک فعال کمونیست فعالیت سیاسی خود را تا لحظه پایان زندگی پر ثمرش ادامه داد. رفیق محمد از بنیانگذاران شورای فعالین سوسیالیست در هامبورگ بود. وی نقش فعالی در فعالیت های شهر هامبورگ داشت. رفیق محمد سخنوری مسلط بود که در مصاحبه با تلویزیون دموکراسی شورایی و کلاب هاووس دموکراسی شورایی مشارکت و در دیگر عرصه های مبارزاتی نقش فعالی ایفا و پیگیرانه با تن صدای گرمش نقطه نظرات خود را بیان میکرد. او همواره و فعالانه یک پای اصلی کنفرانس های سازمان فدائیان اقلیت بود و در تمامی مسائل مورد بحث، شرکت بسیار فعالی داشت. متأسفانه بیماری سرطان چه زود وجود عزیزش را احاطه و او را از ما گرفت. کمیته خارج از کشور سازمان، فقدان این رفیق گرمی و عزیز را به خانواده رفیق محمد سلطانی، جنبش چپ و کمونیست تسلیت می گوید. یادش و راهش تداوم باد.

**کمیته خارج کشور سازمان فدائیان (اقلیت)**

**۲۰ دسامبر ۲۰۲۳**

**تاریخ هرگز جنایات صهیونیست ها را فراموش نخواهد کرد**

از بین ببرد، از پیوستن حماس به سازمان آزادی بخش فلسطین در صورت پذیرفتن شروط سازمان الفتح استقبال کرد. گروه حماس خواستار مذاکره بر سر تشکیل دولت وحدت ملی فلسطین با میانجی گری کشورهای عربی شده است. در شرایط فعلی با توجه به تلفات بالای شبه نظامیان حماس و دست بالای ارتش اسرائیل در جنگ، حماس خواهان پایان جنگ است، اما از آن سو دولت اسرائیل در تلاش است تا با تسلط بر خان یونس موقعیت خود را تحکیم بخشد. در صورتی که ارتش اسرائیل بر خان یونس تسلط یابد، آن گاه - به رغم سخنان نتانیاها و برخی از رهبران حماس - شرایط برای یک آتش بس موقت و سپس کاهش شدت جنگ و حنا رفتن به سمت پایان جنگ فراهم می شود، بویژه آن که در آستانه پایان سال میلادی هستیم. تغییر در موضع حماس در رابطه با راه حل دو دولت یکی از همین نشانه هاست. مذاکرات فشرده در قطر و مصر با حضور رهبران حماس و موساد یک نشانه دیگر است. در واقع تهدیدات نتانیاها و رهبران حماس بیش از آن که جدی باشد، باید آن را نتیجه شکست هر دو طرف جنگ و تلاش برای سرپوش گذاشتن بر این شکست دید. از یک سو حمله حماس به اسرائیل و کشته شدن ۱۲۰۰ نفر یک آبروریزی کامل برای نتانیاها بود و از سوی دیگر جنگ و مصیبتی که بر سر مردم ستم دیده فلسطین در غزه آوار شد، موجب افزایش مخالفت با حماس و حنا تنفر از این گروه در میان مردم فلسطین گردید. برای همین است که نتانیاها برای سرپوش نهادن بر اتفاقات وحشتناک اخیر از ادامه جنگ تا نابودی حماس حرف می زند و سران حماس نیز از ابزار گروگان ها برای پایان دادن به جنگ استفاده می کنند. جالب آن که حماس خواستار آزادی سه زندانی معروف فلسطینی از زندان های اسرائیل شده است که تنها عبدالله برغوثی از رهبران حماس است و دو تن دیگر احمد سعادت دبیرکل "جبهه خلق برای آزادی فلسطین" و مروان برغوثی از رهبران جنبش "الفتح" است که از این آخری به عنوان یکی از جانشینان بالقوه محمود عباس نیز یاد می شود. این خواست حماس بیش از هر چیز با این هدف است که با فریبکاری، تصویری فلسطینی و نه بازیچه جمهوری اسلامی از خود نشان دهد. جنگ غزه بار دیگر چهره کریه صهیونیست را در برابر چشمان جهانیان قرار داد. این جنگ روزی پایان می یابد اما تاریخ هرگز این جنایات را فراموش نخواهد کرد، همان طور که جنایات نازی ها در قتل عام کمونیست ها و یهودیان در جنگ جهانی دوم را فراموش نکرد.



## تبعیض جنسیتی و مهاجرت زنان ایرانی

تخصصی‌شان نیستند و مجبورند برای تامین معاش به مشاغل ساده تر روی بیاورند. آن دسته از زنانی نیز که در حوزه تحصیل و تخصص خود شاغلند با مجموعه دیگری از مشکلات و معضلات دست به گریبانند که پس از مدتی عطایش را به لقایش می‌بخشند و هم کار و هم کشور را ترک می‌کنند. این امر در میان کادر درمانی اعم از پزشک و پرستار بسیار مشهود است. شرایط بد و فقدان امنیت شغلی از جمله علل مهاجرت پرستاران ذکر شده است. بسیاری از پرستاران استخدام رسمی نیستند، قراردادهای ۸۹ روزه دارند و با وجود ساعات کار زیاد حقوق نازلی دریافت می‌کنند. حقوق پرستاران در ایران در مقایسه با استانداردهای جهانی یک دهم حقوقی است که در کشورهای دیگر به پرستاران پرداخت می‌شود. بی جهت نیست که طی سال‌های گذشته آمار مهاجرت پرستاران افزایش بی سابقه‌ای داشته است. به گفته مجید شریفی دبیرکل خانه پرستار، در بهمن ۱۴۰۰ مهاجرت پرستاران نسبت به گذشته ۲۰۰ تا ۳۰۰ درصد افزایش داشته و تنها در خرداد ۱۴۰۱ حدود ۶ هزار پزشک و پرستار ایرانی به اروپا و آمریکا مهاجرت کرده‌اند. مهاجرت زنان ایرانی خواه با انگیزه سیاسی، خواه اقتصادی و یا اجتماعی، پی‌آمد حاکمیت رژیم است و پاسخگرا که در تمامی عرصه‌ها راه پیشرفت و مشارکت آزاد زنان در جامعه را سد و ابتدائی‌ترین حقوق را از آنان سلب کرده، با توحش و بربریت حريم خصوصي و فردي زنان را مورد يورش قرار داده و با اعمال انواع تبعیضات، کشور را به زندانی بزرگ برای زنان تبدیل کرده است. مهاجرت برای بسیاری از زنان، «گریزی است ناگزیر» از این زندان.

زنان را صادر کردند. سلب ابتدائی ترین حقوق زنان نظیر حق طلاق، حضانت، حق تحصیل و سفر، انتخاب پوشش و ... همواره یکی از دلایل مهاجرت زنان بوده است. مهاجرت برای رهایی از قوانین تبعیض آمیز و تبعیضات جنسیتی در حیطه آزادی های فردی. طی یک دهه گذشته اما آمار مهاجرت زنان با سرعت بیشتری افزایش یافته است. تنها در ۸۰ روز اول سال ۱۳۹۱ هزار جوان ایرانی برای ادامه تحصیل راهی خارج شدند که اکثریت آنها دختران ۲۰ تا ۲۲ ساله بودند. در سال ۹۶ به طور رسمی ۵۳ هزار تن از ایران مهاجرت کردند. مهاجرت زنان چنان افزایش یافت که مجامدهی تندگويان معاون سازماندهی امور جوانان در رسانه ها نسبت به تاثیر مهاجرت زنان بر مساله ازدواج جوانان اظهار نگرانی کرد چرا که در سال ۱۴۰۰ در مقابل هر ۱۲۲ مرد متقاضی ازدواج، ۱۰۰ زن آماده به ازدواج بود.

خواست و تمایل به مهاجرت از سوی زنان جوان تحصیل کرده نیز نتیجه و پی آمد تبعیضات و نابرابری های موجود در جامعه ایران تحت حاکمیت جمهوری اسلامی است. زنان از یک سو بیشترین آمار فارغ التحصیلان دانشگاهی را به خود اختصاص داده‌اند اما از سوی دیگر به دلیل موانع متعدد بزرگترین سهم را در آمار بیکاری دارند و از همین رو جمعیت بالقوه آماده مهاجرت‌اند. طبق آمار منتشره از سوی مرکز آمار ایران، در سال ۱۳۸۴ نرخ اشتغال زنان ۱۷ درصد بوده و در سال ۱۴۰۰ به ۱۳ درصد کاهش یافته است. از سوی دیگر زنان تحصیل کرده قادر به یافتن شغلی درحوزه

علاوه برافزایش مهاجرت زنان ایرانی به خارج از کشور، پدیده مهاجرت داخلی و جابه‌جایی زنان از مناطق و شهرهای کوچک به شهرهای بزرگتر نیز روند صعودی داشته است. به گفته سراج‌الدین محمودیانی استادیار جمعیت شناسی، طی سال‌های ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰، زنان ۴۴ درصد مهاجرین داخلی را تشکیل می‌دادند که در دوره ۵ ساله بعد از آن، این رقم به ۵۰ درصد افزایش یافت. سایت مطالعات راهبردی زنان در تحلیل این موضوع مهمترین علل مهاجرت داخلی زنان را چنین جمع‌بندی کرده است: ازدواج، رهایی از بند و زنجیرهای خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی، تحصیل و اشتغال. اما در پس این آمار و ارقام چه نهفته است و چرا هر چندگاه یک بار شاهد موج جدیدی از مهاجرت زنان ایرانی هستیم؟ گرچه مقامات جمهوری اسلامی دهه ۹۰ شمسی را سرآغاز مهاجرت زنان می‌دانند، اما روند مهاجرت زنان ایرانی پس از استقرار جمهوری اسلامی همواره سیر صعودی داشته و طی دهه های اخیر این روند شتاب بیشتری گرفته است. قدرت گیری رژیمی متحجر، مستبد و زن‌ستیز که از همان آغاز به سرکوب و کشتار روی آورد و با قوانین تبعیض آمیز، نابرابری و تبعیضات مبتنی بر جنسیت را حاکم کرد، چنان عرصه را بر زندگی فردی و اجتماعی زنان تنگ کرد که مهاجرت همواره یکی از گزینه ها برای زهایی بسیاری از زنان عاصی از شرایط تحمل ناپذیر بوده است. حال چه این مهاجرت داخلی باشد چه خارجی.

سرکوب عنان گسیخته‌ای که رژیم جمهوری اسلامی در بدو به قدرت رسیدن اعمال کرد، موج اول مهاجرت زنان را به همراه داشت. سرکوب و حشبیانه دهه خونین ۶۰ موجب مهاجرت هزاران زن ایرانی فعال سیاسی شد که خود را از کوه‌ها و راه‌های صعب‌العبور به اولین مقصد ممکن رساندند. از آن جا که فعالین چپ و کمونیست اولین گروهایی بودند که در معرض سرکوب قرار گرفتند و از آن جا که ماهیت زن ستیزانه و ارتجاعی جمهوری اسلامی را شناخته و برملا کرده بودند، طبیعتاً بخش اعظمی از زنان مهاجر در موج اول را زنان مترقی، چپ و کمونیست تشکیل می‌دادند. زنانی که به طرق مختلف نهال آزادی و رهایی زنان را آبیاری و با فعالیت در عرصه بین‌المللی، به صدای مبارزات مردم ایران در جهان تبدیل شدند و نقش مهمی در ترویج و تبلیغ آگاهی جنسیتی ایفا کردند. از آن پس تا کنون مهاجرت زنان ایرانی به دلایل و با انگیزه های سیاسی ادامه دارد.

در سال های اولیه به قدرت رسیدن جمهوری اسلامی علاوه بر سرکوب مخالفین و مبارزین سیاسی، احکام و قوانین ارتجاعی و شرعی تدوین و اعمال شد. بی دادگاه های اسلامی برپا و حجاب اجباری شد و قوانین تبعیض آمیز بر زندگی فردی و اجتماعی زنان حاکم گردید. در خیابانها بسیج و دیگر نیروهای سرکوبگر با باتوم به جان زنها افتادند و در بی دادگاه ها قضات اسلامی حکم تازیانه و شلاق بر پیکر



## یک قربانی دیگر

سمیرا سبزیان دختر بچه‌ای که ناخواسته و از روی اجبار به "ازدواج" تن داده بود، مانند هزاران کودک هم‌سن و سال خود، از همان آغاز با هزاران مشکل "زناشویی" و "شوهرداری" روبرو شد و در معرض شدیدترین خشونت‌های جنسی و خانگی قرار گرفت. زمان درازی نکشید که سمیرا که خود کودکی بیش نبود و هنوز نه معنای ازدواج و همسر داری را می‌دانست و نه اساساً تصور روشنی از این موضوع داشت، صاحب فرزند شد و از مرحله "کودک همسری" به "کودک مادری" پا گذاشت. رنج و عذاب فرزند آوری و فرزند داری و تر و خشک‌کردن کودک، بر رنج و عذاب و خشونت جنسی و خانگی که بر او اعمال می‌شد افزوده شد. کودک خردسالی که هیچ‌گونه تصویری از مادر شدن نداشت، اکنون خود مادر شده بود. تنگناها و فشارها و نتایج این ازدواج اجباری، روان سمیرا را می‌آزرد و شمع وجودش را آب می‌کرد. هیچ راه نجاتی نداشت. کسی در فکر او نبود. دادرسی وجود نداشت. هیچ قانونی از او حمایت نمی‌کرد. نمی‌توانست طلاق بگیرد، اساساً حق طلاق نداشت. همه راه‌ها برای جدایی و رهایی از بردگی خانگی به رویش بسته بود. راه دیگری نداشت جز اینکه خودش یا شوهرش را بکشد.

سمیرا پس از ۴ سال تحمل انواع خشونت زمانی که ۱۹ ساله بود، با داشتن دو فرزند ۷ ساله و ۶ ماهه، در دی‌ماه ۹۳ همراه با خواهر ۱۴ ساله‌اش و فرد دیگری به اتهام قتل همسرش بازداشت شد. سمیرا زجر دیده و ستم‌کشیده که به اسارت درآمد و به زندان افتاد ۱۰ سال بعد در سن ۳۲ سالگی زمانی که دو فرزندش ۱۵ ساله و ۱۱ ساله بودند اعدام شد.

در جمهوری اسلامی سالانه هزاران دختر زیر ۱۸ سال از جمله دختر بچه‌های بین ۱۰ تا ۱۴ سال به ازدواج درمی‌آیند. به‌رغم اینکه سن قانونی دختران برای ازدواج ۱۳ سال عنوان شده اما راه‌های قانونی ازدواج‌های زیر ۱۳ سال و حتی ۹ سال نیز باز گذاشته شده است. بسیاری از خانواده‌های فقیری که تحت محدودیت‌ها و فشارها شدید اقتصادی قرار دارند دختر بچه‌ها را در سنین پایین شوهر می‌دهند تا یک نان‌خور از سفره کم شود. علاوه بر شرایط اقتصادی، مجموعه‌ای از شرایط اجتماعی و فرهنگی نیز در ازدواج دختران خردسال و رواج بیش‌ازپیش کودک همسری مؤثر بوده است. از یاد ببریم که دولت جمهوری اسلامی نیز از مشوقان اصلی تجاوز به کودکان بوده است که بر آن "کودک همسری" نام نهاده‌اند.

کوچک‌دخترانی که ناخواسته به کودک همسران بدل می‌شوند، هزار و یک رنج و عذاب جنسی را تحمل می‌کنند. چنین کودکی تا به خود آید، نوزادی روی دستش می‌افتد بی‌آنکه تصویری از مادر شدن داشته باشد. بدین‌سان این قربانیان کوچک بی‌دفاع، غنچه وار حتی قبل از آنکه بشکند به‌کلی پژمرده و پریز می‌شوند. نیازی به توضیح نیست زندگی دختر بچه‌ای که

به‌اجبار و ناخواسته وارد این مناسبات می‌شود تا چه حد غیرقابل‌تصور دشوار، ناپایدار، بی‌دوام و بی‌آینده است. چنین پیوندی اگر در همان نخستین بزنگاه به طلاق نینجامد و از هم نپاشد، اشکال دریناک دیگری از نمونه قتل همسر به خود می‌گیرد. اگر در گام نخست مجموعه‌ای از عوامل و شرایط اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی دختر بچه‌ها را به قربانگاه می‌فرستد و سیاه‌بخت می‌کند، نقش مستقیم رژیم سیاسی و نظم حاکم اندکی پوشیده می‌نماید، آویختن طناب دار دستگاه قضایی بر گردن سمیراها دیگر جایی برای پنهان ماندن نقش نظم موجود باقی نمی‌گذارد. کودک همسر قربانی، اسیر دستگاه قضایی و دوباره قربانی می‌شود.

ازدواج‌های اجباری منحصر به کودک همسری و شوهر دادن دختر بچه‌های کم‌سن و سال به مردان بزرگسال بالای ۳۰ سال و ۴۰ سال و حتی بیشتر نیست. شوهر دادن اجباری دختران ۱۸ سال و بالاتر نیز در برخی خانواده‌های سنتی و عقبه‌مانده در بعضی مناطق کشور نیز متأسفانه رایج است. مکرر دیده‌شده دختران، تنها با ارائه پدر یا مادر به‌اجبار به عقد ازدواج درآمده‌اند. عاقبت این تیپ ازدواج‌ها نیز روشن است؛ جنگ و جدال دائمی زن و شوهر، کتک خوردن زنان توسط شوهران و در بهترین حالت طلاق و جدایی. در بسیاری موارد خانواده‌ها حاضر به طلاق نمی‌شوند. دختران جوانی که از روی اجبار به چنین ازدواج‌هایی تن می‌دهند، آن‌چنان تحت‌فشارهای جسمی و روانی قرار می‌گیرند که برای رهایی به هر وسیله‌ای متوسل می‌شوند. بسیاری زنانی که از شدت رنج و عذاب، دشواری‌ها، فشارها و خشونت‌های چندجانبه، زندگی خود را تباشه می‌بینند. این قربانیان خاموش و بی‌پشتیبان نیز که نمی‌توانند وضعیت وحشتناکی را که بر آنان تحمیل شده تغییر دهند و نمی‌توانند از بند و زندان شوهر رها شوند، دست به خودسوزی و خودکشی می‌زنند یا در مواردی از نمونه سمیرا، ضوابط شوهران خود را به قتل می‌رسانند و مطابق ضوابط جمهوری اسلامی قصاص و اعدام می‌شوند.

آمار خودکشی و خودسوزی که فجع‌ترین نوع خودکشی است در میان زنان بسیار بالا است. اینها در گفتگو با رئیس" انجمن حمایت از بیماران سوخته" و در گزارشی پیرامون سوختگی سالانه ۲۰۰۰ کارگر، به‌طور حاشیه‌ای به سوختگی‌های شیمیایی ناشی از خشونت اشاره نموده و می‌نویسد: سوختگی‌های شیمیایی ناشی از خشونت، شامل اسیدپاشی و اغلب اسیدپاشی به زنان است... آمار آن در شهرهای مختلف متفاوت است و بعضاً گزارش داده نمی‌شود... خودسوزی‌ها نیز به همین صورت است به‌ویژه در استان‌هایی مانند ایلام، شمال خوزستان، کردستان، سیستان و بلوچستان. اغلب این نوع سوختگی‌ها که شدید هم هستند، در مورد زنان است و به دلیل مشکلاتی است که با همسر دارند. تعداد قابل‌توجهی از این افراد فوت می‌شوند و تعداد اندکی از آن‌ها نیز که زنده می‌مانند تا پایان عمر مشکلات سوختگی را با خود حمل می‌کنند.

آمار دقیق خودکشی و خودسوزی زنان در اثر اعمال خشونت‌های خانگی و تبعیضات شدید

جنسیتی اعلام نمی‌شود. صرف‌نظر از خودسوزی و خودکشی، سالانه شمار زیادی از زنان به دست شوهران و مردان نیز به قتل می‌رسند که آمار دقیق این قتل‌ها نیز ارائه نمی‌شود. سمیرا سبزیان به جرم قتل همسرش اعدام شد. از اول سال جاری تاکنون دست‌کم ۱۸ زن به دار آویخته شده‌اند. مکرر اتفاق افتاده است که مردی همسر خود را به قتل رسانده و بر طبق قوانین اسلامی و تبعیض آمیز حاکم برای مردی که زن را به قتل رسانده مجازات تعیین شده است. صرف‌نظر از اینکه اعدام به‌عنوان مجازات بایستی برافتد و ممنوع اعلام شود که در اغلب کشورها نیز چنین شده است، اما در جمهوری اسلامی ماجرا به گونه دیگری است. تبعیض و نابرابری جنسیتی در تمام قوانین به‌ویژه قوانین و ضوابط قضایی جمهوری اسلامی یک امر نهادینه است. حتی زمانی که "جرم" یکسان است، مجازات زن "مجرم" با مرد "مجرم" نا یکسان است. الگوهای رژیم ارتجاعی حاکم نه رعایت مقررات و ضوابط ولو نیم‌بند نهادهای بین‌المللی حمایت از حقوق کودکان و زنان و زندانیان یا حتی مقررات و قوانین "مدنی" جوامع غربی و پیشرفته‌تر سرمایه‌داری، بلکه ضوابط و مقررات عشیره‌ای و ارتجاعی اسلامی است.

جمهوری اسلامی و دستگاه قضایی آن البته با اعدام و کشتار عجین است. این دستگاه با آسودگی غیرقابل‌توصیفی حکم اعدام صادر می‌کند و هر هفته شماری را به جوخه مرگ سپرده و جانانشان را می‌گیرد. در هیچ کجای جهان نمی‌توان حکومتی را یافت که جان انسان به‌ویژه جان وزندگی دختران و زنان تا به این اندازه که در جمهوری اسلامی هست، بی‌ارزش و فاقد اهمیت باشد.

بر پایه آمار انتشار یافته سازمان‌های حقوق بشری از سال ۲۰۲۱ تاکنون، جمهوری اسلامی دست‌کم ۲۰۰ زن را اعدام نموده که اتهام ۹۰ نفر از آنان قتل عمد بوده است. این آمار به‌خودی‌خود وضعیت مشقت باری را که بر زنان تحمیل شده به‌خوبی نشان می‌دهد. شدت فشار و انواع خشونت علیه زنان تا آنجا فزونی یافته که سرانجام کار به قتل عمد انجامیده است. قتل عمد ۹۰ زن آن‌هم در جامعه‌ای که تبعیض جنسیتی و فرودستی زن در آن رسمیت و قانونیت یافته است.

جمهوری اسلامی ضد زن از همان نخستین روزهای حاکمیت خود، رژیم سرکوب و کشتار و اعدام بوده است. این رژیم هزاران نفر را اعدام و هزاران تن را قتل‌عام نموده است. ماشین کشتار و اعدام در تمام طول عمر ننگین ارتجاع اسلامی حتی یک‌لحظه خاموش نبوده است. طی دو سال گذشته به ویژه بعد از فروکش جنبش زن زندگی آزادی، از آغاز سال جدید شمار اعدام‌ها افزایش یافته است. سازمان عفو بین‌الملل در گزارش ۲۶ اردیبهشت سال جاری اعلام کرد تعداد اعدام‌ها در ایران از ۳۱۴ مورد در سال ۲۰۲۱ به ۵۷۶ مورد در سال ۲۰۲۲ افزایش یافته، این تعداد تا پایان اکتبر سال جاری به ۶۰۴ مورد رسیده است. اگر بر همین پایه تا پایان سال میلادی محاسبه کنیم تعداد اعدامی‌ها

## یک قربانی دیگر

در ظرف یک سال بالغبر ۷۲۴ مورد می‌شود یعنی به‌طور متوسط هرروز دو نفر اعدام‌شده‌اند با این توضیح که بر خی از اعدام‌شدگان زیر ۱۸ سال سن داشته‌اند.

در جمهوری اسلامی اعدام فقط برای این نیست که جامعه را مرعوب سازد، اعدام صرفاً برای به‌اصطلاح اصلاح جامعه و جلوگیری از تکرار جرم هم نیست. بماند که اعدام در هیچ کجای جهان حتی همین نقش را هم نتوانسته و نمی‌تواند ایفا کند. چنین به نظر می‌رسد که اسلام و کشتار و اعدام از همان آغاز درهم‌تنیده شده‌اند. حکومت اسلامی در ذات خود حکومت اعدام و کشتار و تشنه خون است.

ارتجاع اسلامی صدها و هزارها سمیرا را اعدام نموده است. تردیدی در این مسأله وجود ندارد مادام که جمهوری اسلامی بر سرکار باشد، اعدام‌ها ادامه خواهد داشت و اوضاع بر همین منوال خواهد بود. ازدواج‌های اجباری، "کودک همسری" تبعیضات فاحش جنسیتی و خشونت خانوادگی و مصائب بی‌شمار دیگری نظیر آن باز هم قربانی خواهند گرفت.

مجازات اعدام بایستی به‌فوریت لغو شود. ازدواج کودکان زیر ۱۸ سال بایستی ممنوع شود و نقض‌کنندگان آن مجازات شوند. زن در انتخاب شریک زندگی خود بایستی از آزادی کامل برخوردار باشد. روابط خصوصی زن از هرگونه تعرضی باید مصون باشد. حق طلاق یک‌جانبه مرد باید ملغی گردد. حقوق زن و مرد در امر طلاق، ارث و تکفل بایستی برابر و یکسان باشد. تمام قوانین و مقررات مبتنی بر تبعیض جنسیتی بی‌درنگ باید ملغی شوند. برای تحقق این موارد و پایان دادن به مصائب بی‌شمار جاری، قبل از هر چیز باید ارتجاع هار و رژیم زن‌سنیز جمهوری اسلامی را به زیر کشید و دولت شورایی را مستقر ساخت.



## از اعتصاب گسترده کارگران فولاد حمایت کنیم

کارگران کارخانه گروه ملی فولاد اهواز در ادامه مبارزات خود، روز شنبه دوم دی‌ماه ۱۴۰۲، در اعتراض به اقدام مدیرعامل شرکت در ممنوعیت ورود به شرکت ۲۱ نفر از همکاران خود دست به تجمع و اعتصاب زدند. امروز سوم دی‌ماه، کارگران گروه ملی فولاد اهواز برای دومین روز متوالی به اعتصاب و تجمع ادامه دادند. کارگران گروه ملی فولاد، پس از اجتماع در مقابل دفتر مدیریت و معاونت فنی شرکت، در برابر حراست شرکت نیز تجمع اعتراضی برپا کردند. کارگران اعتصابی همچنین در ادامه اعتراض گسترده خود و در اعراض به عدم تحقق مطالباتشان با سردادن شعارهایی چون "کارگر می‌میرد، ذلت نمی‌پذیرد"، "ما کاران آهنیم، ریشه ظلم را می‌کنیم"، "ما کارگران فولاد، علیه ظلم و بیداد می‌جنگیم، می‌جنگیم" در ابعادی گسترده به سمت میدان بقایی اهواز دست به راهپیمایی زدند.

با گسترش اعتصاب و فراگیر شدن آن به همه بخش‌ها و خطوط تولیدی گروه ملی فولاد اهواز، کارگران اعتصابی با همبستگی و اتحاد، "علی‌محمدی"، مدیرعامل گروه ملی فولاد را از شرکت بیرون انداختند. کارگران مبارز فولاد اهواز در اعتراضات پیشین خود نیز به مدیرعامل شرکت فرصت داده بودند تا ضمن لغو ممنوعیت ورود رفقای همکارشان، اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل را نیز اعلام کند که مدیرعامل شرکت از پذیرش خواست کارگران سر باز زده بود.

مدیریت شرکت و حامیان دولتی آن به‌قصد ارباب و سرکوب کارگران، نیروهای گارد ویژه را به محل اعتصاب و تجمع کارگران اعزام کردند. اما به‌رغم استقرار نیروهای سرکوب در محل اعتصاب و تجمع، کارگران به اعتصاب و تجمع اعتراضی ادامه دادند و با سردادن شعار "نه تهدید نه زندان دیگر اثر ندارد" یک‌بار دیگر به کارفرما و مدیریت شرکت فهمانندند که کارگر فولاد اهواز را نمی‌توان با توسل به حربه ارباب و سرکوب از صحنه مبارزه خارج کرد. تا مشکلات کارگران حل نشود اعتصاب و مبارزه نیز ادامه دارد. کارگران فولاد اهواز درگیر نبردی دشوار شده‌اند که به قول خودشان "وسوسه تسلیم در آن راه ندارد".

اعتصاب گسترده کارگران اعتصابی گروه ملی فولاد اهواز با طرح خواست‌هایی چون "اجرای کامل طرح طبقه‌بندی مشاغل"، "همسان‌سازی حقوق" و "بازگشت به کار کارگران اخراجی" جلوه دیگری از مبارزات روبه رشد کارگران است. کارگران بیش‌ازپیش به این موضوع پی برده‌اند که در برابر کارفرما و دولت حامی آن و برای تحقق مطالباتشان، راه دیگری به‌جز همبستگی طبقاتی و گسترش اعتراض و اعتصاب باقی نمانده است.

اعتصاب کارگران گروه ملی فولاد اهواز در کنار اعتصابات روبه رشد دیگر کارگران و زحمتکشان در شرایطی رخ می‌دهد که جامعه به‌شدت ناآرام و در تپ‌وتاب تغییرات بنیادی ست. شکل‌گیری اعتصاب‌ها و تجمع‌های اعتراضی در سطوح مختلف جامعه مدام رو به گسترش است. طبقه حاکم و صاحبان سرمایه که نگران گسترش اعتصاب و اعتراض در جامعه هستند، به‌صورت سیستماتیک به تهدید و دستگیری و اخراج و تعلق کارگران مبارز روی آورده‌اند. اما به‌رغم همه اقدامات سرکوبگرانه تانکونی، مبارزات کارگران و دیگر زحمتکشان، به تاسی از شرایط انقلابی جامعه مدام درحال گسترش است.

سازمان فدائیان (اقلیت) ضمن حمایت از اعتصاب و خواست‌های برحق کارگران کارخانه گروه ملی فولاد اهواز، عموم کارگران را به حمایت از اعتصاب و مطالبات رفقای کارگیشان در فولاد اهواز فرامی‌خواند.

سازمان فدائیان (اقلیت) اخراج، مسدود شدن کارت ورود، تعلق از کار کارگران و ایجاد هرگونه محدودیت کاری برای کارگران اعتصابی فولاد اهواز را قویاً محکوم می‌کند و خواهان بازگشت به کار فوری کارگران اخراجی، لغو تعلق از کار ۳۸ تن از کارگران و رفع مسدود شدن کارت ورودی کارگران است.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی**

**نابود باد نظام سرمایه‌داری**

**زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم**

**سازمان فدائیان (اقلیت)**

**سوم دی‌ماه ۱۴۰۲**

**کار، نان، آزادی حکومت شورایی**

## دادخواهی بزرگ، محاکمه و مجازات جنایتکاران در داخل کشور است

روز سه شنبه ۲۸ آذر ۱۴۰۲ (۱۹ دسامبر ۲۰۲۳) رای دادگاه تجدید نظر حمید نوری توسط دستگاه قضایی کشور سوئد اعلام گردید. دادگاه حمید نوری با بررسی دوباره پرونده اتهامی او که در دادگاه اول به اتهام جنایات "جنگی از نوع بین المللی" و "قتل عمد" به حبس ابد محکوم شده بود، بار دیگر تأیید و حمید نوری مجدداً به اشد مجازات (حبس ابد) در سیستم قضایی سوئد محکوم شد.

حمید نوری ملقب به حمید عباسی- کمک دادیار زندان گوهردشت کرج - در تاریخ نهم نوامبر ۲۰۱۹ (۱۸ آبان ۱۳۹۸) به هنگام ورود به سوئد با حکم دادستانی و با طرح اتهاماتی نظیر "نقض فاحش قوانین بین المللی" و "جنایت علیه بشریت" در فرودگاه استکهلم دستگیر و از همان جا راهی بازداشتگاه موقت شد. حمید نوری که در روز شمار قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان ۶۷ کمک دادیار زندان گوهردشت کرج بود، از جمله مزدوران و جانپان جمهوری اسلامی است که در کشتار جمعی زندانیان گوهردشت نقش فعالی داشته است.

با تکمیل کیفرخواست پرونده اتهامی حمید نوری، دادگاه او به صورت علنی و با حضور ده ها شاکی و شاهد از جمع زندانیان سیاسی جان بدربرده، تعدادی از اعضای خانواده های زندانیان کشتار شده همراه با حضور تعدادی از کارشناسان حقوقی از تاریخ ۱۹ مرداد ۱۴۰۰ (دهم اوت ۲۰۲۱) آغاز شد و طی یک فرایند طولانی با برگزاری ۹۳ جلسه خاتمه یافت. دادگاه بدوی با توجه به مستندات پرونده، اقراریه شاهدان و شاکیان متهم و درخواست دادستانی که خواهان اشد مجازات برای حمید نوری شده بود، سر انجام در تیرماه ۱۴۰۱ حمید نوری را به اتهام جنایات "جنگی از نوع بین المللی" و "قتل عمد" به حبس ابد محکوم کرد.

پس از اعلام حکم دادگاه بدوی، وکلای حمید نوری با درخواست فرجام خواهی و اعتراض به حکم اولیه، وارد روند دادگاه تجدید نظر شدند. پروسه قضایی دادگاه تجدید نظر نیز با برگزاری جلسات متعدد به مدت ۹ ماه طول کشید و سرانجام دادگاه تجدید نظر نیز حمید نوری را مجرم شناخت و با تأیید حکم دادگاه اول، او را به حبس ابد محکوم کرد.

فرایند محاکمه حمید نوری به اتهام دست داشتن در کشتار زندانیان سیاسی از لحظه دستگیری تا پایان رای دادگاه استیناف، بیش از ۴ سال طول کشید. رای نهایی دادگاه و اعلام مجازات حبس ابد برای حمید نوری که یکی از آدمکشان جمهوری اسلامی بود، بدون شک خبری مسرت بخش برای خانواده های داغدار، زندانیان جان بدربرده از کشتارهای دهه ۶۰ تا به امروز و عموم توده های مردم ایران است. در روند دادگاه حمید نوری به دلیل حضور و شهادت علنی ده ها تن از زندانیان جان بدر برده از کشتار تابستان ۶۷ و اعضای خانواده تعدادی از زندانیان آن قتل عام بزرگ، امکانی مغتنم برای جنبش دادخواهی فراهم گردید و با پخش صوتی جلسات دادگاه بخشی از ناگفته ها و ناشنیده های کشتار فجیع تابستان ۶۷، به گوش مردم ایران و جهان

و جهانیان رسانده شد. شنیدن صحنه های تکان دهنده رویارویی زندانیان با گروه چهار نفره "هیأت مرگ"، توصیف لحظه های به انتظار نشستن زندانیان برگزیده در "راهروی مرگ" و بیان چگونگی هدایت آنان به قتلگاه زندان گوهردشت، آنهم از زبان شاهدان و شاکیان این پرونده از جمله صحنه های دردناک روند جلسات طولانی دادگاه حمید نوری بود.

شاکیان و شاهدان دردمندی که در بازگویی روزهای کشتار و مرگ، راوی لحظه های جانکاهی بودند که "حمید عباسی" در روزهای قتل عام تابستان ۶۷، زندانیان را از سلول و بند بیرون می کشید و آنان را به نزد "هیأت مرگ" می برد. شاهدان این پرونده، با روایت هولناک آن روزهای وحشت و مرگ، از نقش حمید نوری و دست داشتن او در کشتار زندانیان گوهردشت سخن ها گفتند. از انتقال طناب های دار به حسینیه زندان گوهردشت- که آنروزها به حسینیه مرگ - تبدیل شده بود، حکایت ها کردند. آنان، با اشک و بغض های فرو خورده در گلو از کامیون های یخچال دار برای حمل جنازه زندانیان اعدام شده در آن تابستان تفتان سخن گفتند، از تل انبار شدن انبوه دمپایی های زندانیان جانباخته حکایت کردند و جملگی بر این نکته تأکید داشتند که حمید نوری همان "حمید عباسی"، کمک دادیار زندان گوهردشت است. همان مزدور و آدمگشی که زندانیان را پیش "هیأت مرگ" می برده و سپس زندانیان محکوم به مرگ را در صف های چند نفره به حسینیه مرگ زندان گوهردشت جهت اعدام هدایت می کرد.

شنیدن روایت لحظه های کشتار تابستان ۶۷، از زبان زندانیانی که خود در روز شمار کشتار آن تابستان خونین ساعت ها نشستند در "راهروی مرگ" را تجربه کرده بودند، آنچنان تکاندهنده بود که بغض را بر گلو می نشاند و اشک را بر گونه ها جاری می ساخت. روایت تلخ و دردناک زندانیان بازمانده ای که طی دو ماه شاهد کشتار یاران و رفقای خود بودند و حالا به عنوان شاکی و شاهد در جلسات دادگاه از آن روزهای وحشت و مرگ و کشتار جمعی زندانیان سخن می گفتند.

با اعلام رای دادگاه تجدید نظر حمید نوری، بار دیگر پرونده جنایات جمهوری اسلامی در معرض افکار عمومی قرار گرفت و روند دادخواهی را برای توده های مردم ایران گامی بزرگ به جلو برد. در جلسات دادگاه حمید نوری، بارها و بارها از "فرمان" خمینی که کشتار زندانیان سیاسی را صادر کرده بود، رمز گشایی شد. از ابراهیم رئیسی و نقش کلیدی او در کشتار جمعی زندانیان به کرات سخن گفته شد. نام مصطفی پورمحمدی، نماینده وزارت اطلاعات در "هیأت مرگ" بارها تکرار شد. از "حسینعلی نبوی" بعنوان "قاضی مرگ" و "مرتضی اشراقی" بعنوان دادستان وقت تهران که نمایندگان برگزیده خمینی در کشتار تابستان ۶۷ بودند، از زبان شاکیان و شاهدان پرونده به دفعات نام برده شد.

از آنجا که پرونده اتهامی حمید نوری یک پرونده شخصی نیست و او مجری فتوای خمینی و "هیأت مرگ" منتخب رهبر وقت جمهوری

اسلامی بوده است، محکومیت حمید نوری به معنای محکومیت خمینی، ابراهیم رئیسی و به طریق اولی محکومیت هیأت حاکمه ایران است. نقطه ثقل دادگاه حمید نوری نیز در همین محکومیت جمهوری اسلامی است که شادمانی جنبش دادخواهی و توده های مردم ایران را فراتر از محکومیت حمید نوری برانگیخت. بی دلیل نبود که جمهوری اسلامی در روند بررسی دادگاه هر آنچه در توان داشت بکار گرفت تا دادگاه را برای تیرنه این مزدور آدمکش خود ترغیب کند. دستگاه قضایی و امنیتی جمهوری اسلامی، برای تحت فشار قرار دادن دادگاه، چندین شهروند دو تابعیتی و بعضاً شهروندان سوئد را در ایران بازداشت کرد تا بتواند با پیشنهاد معاوضه در روند دادگاه اختلال ایجاد کند. در روزهای منتهی به صدور حکم حمید نوری در دادگاه اول، دستگاه قضایی جمهوری اسلامی از انتقال حمیدرضا جلالی، پزشک دو تابعیتی سوئدی - ایرانی به انفرادی جهت اجرای حکم اعدام خبر داد، تا به زعم خود بتواند از محکومیت حمید نوری جلوگیری کند.

جمهوری اسلامی با ترفند گروگان گیری شهروندان سوئدی تا بدانجا پیش رفت که کارمند سوئدی اتحادیه اروپا را هم به اتهام "جاسوسی" بازداشت کرد. از طریق سفیر خود در سوئد در مسیر جستجوی راه های اعمال نفوذ در پرونده برآمد، در دادگاه تجدید نظر، با ترغیب جمهوری اسلامی، وزیر پیشین دادگستری سوئد وکالت حمید نوری را پذیرفت تا شاید بتواند حمید نوری را از اتهامات وارده تیرنه کند. اما با تلاش گسترده جنبش دادخواهی و روشنگری افکار عمومی، هیچکدام از ترفندهای جمهوری اسلامی در بازدارندگی صدور حکم برای حمید نوری کارساز نشد و دادگاه تجدید نظر نیز همانند دادگاه بدوی، حمید نوری را به اتهام جنایات "جنگی از نوع بین المللی" و "قتل عمد" به حبس ابد محکوم کرد.

اکنون برای جنبش دادخواهی و توده های مردم ایران آنچه مهم است و باید هم مهم باشد همانا محکومیت حمید نوری و به طریق اولی محکومیت جمهوری اسلامی به جرم جنایت و کشتار جمعی زندانیان سیاسی در زندان است. جنبشی که با فداکاری و از خود گذشتگی بی دریغ مادران خاوران در آن سال های وحشت و مرگ و بی کسی و سکوت دهه ۶۰، شکل گرفت و سپس در پیوند با دیگر مادران داغدار سال های بعد از آن تا به امروز، پرچم دادخواهی در گستره ای فراتر به اهتزاز درآمده است.

بدون شک، تجربه امیدبخش دادگاه حمید نوری می تواند یاری رسان جنبش دادخواهی در فرادای سرنگونی جمهوری اسلامی برای محاکمه و مجازات همه جنایتکاران ریز و درشت رژیم در داخل کشور باشد. دادگاه هایی که در جلسات آن همه جنایتکاران جمهوری اسلامی رودرروی هم قرار خواهند گرفت و دیگر همانند حمید نوری راهی برای انکار و فرار از پاسخگویی نخواهند داشت. اگرچه در پروسه دادگاه حمید نوری ناگفته های بسیاری توسط شاهدان و شاکیان در صفحه ۹





## رد فرجام‌خواهی جلال حمید نوری به‌مثابه محکومیت جمهوری اسلامی!

## دادخواهی بزرگ، محاکمه و مجازات جنایتکاران در داخل کشور است

تشکیل دادگاه بررسی استیناف در سوئد و رد تقاضای فرجام‌خواهی و به عبارتی عدم‌پذیرش تقاضای تجدیدنظر حکم جلال حمید نوری (حمید عباسی)، در واقع می‌توان گفت مهر تأیید این دادگاه بر تمامی قتل‌عام زندانیان سیاسی در زندان گوهردشت و دیگر زندان‌های ایران در سال ۶۷ و نیز تأییدی بر تمامی کشتاری که در سرتاسر ایران توسط جمهوری اسلامی صورت گرفت، به‌حساب آورد. جمهوری اسلامی قبل از صدور حکم دادگاه حمید نوری که پروسه چهارساله داشت و نیز در بعد از تقاضای تجدیدنظر خانواده حمید نوری، به‌عنوان مختلف تلاش نمود با اعمال فشارهای سیاسی و نیز به‌گروگان گرفتن اتباع سوئد و افراد دو تابعیتی در ایران به جرم جاسوسی و تهدید به اجرای اعدام، قادر نشد تأثیری در روند دادگاه و یا به پائین آوردن حکم زندان حمید نوری که فعالانه در کشتار زندانیان سیاسی دست داشت، خللی وارد سازد.

حضور پررنگ و پر قدرت شاهدان و شاکیان در دادگاه سوئد چون کوهی از اسنادی زنده، بر سر حمید نوری و هیئت مرگ و به عبارتی دیگر بر فرق نظام جنایت‌پیشه جمهوری اسلامی فرود آمد تا نهنتها دادگاه بلکه مردم ایران در محدوده‌ای در جهان به عمق کشتارها و قتل عام‌های دهه شصت پی ببرند.

به‌محض اعلام رد فرجام‌خواهی حمید نوری ملقب به "برادر عباسی" از طرف دادگاه عالی سوئد در روز سه‌شنبه ۱۹ دسامبر، شور و حال فزاینده‌ای را در بین زندانیان سیاسی جان بدر برده از قتل‌عام‌های سال ۶۷ و همچنین اشک شوقی در چشمان نگران و منتظر خانواده‌های جانفشانان ایران را که دهه شصت به خاک و خون کشیده شدند، به‌مراه داشت.

همچنین این پیروزی هرگز بدون تلاش همه جانبه زندانیان جان بدر برده و شاهدان در دادگاه سوئد به دست نمی‌آمد که چشم در چشمان دریده و منحوس حمید نوری بوزند و همکاری او را با هیئت مرگ در زندان گوهردشت و هدایت زندانیانی که در یک دادگاه دودقیقه‌ای هیئت مرگ محکوم به اعدام می‌شدند به سمت طناب دار می‌برد. نتیجه این تلاش عزیزان در دادگاه زمینه‌ساز صدور حکم حبس ابد بنام این جانی صادر شود، حکمی که بندرت در دادگاه‌های سوئد علیه متهمین صادر شده بود.

آنچه باید افزود، تأیید دوباره حبس ابد توسط دادگاه سوئد در ۱۹ دسامبر ۲۰۲۳ دل بسیاری از خانواده‌های خاوران در ایران را نیز که همواره با تمامی تهدید و سرکوب و دستگیری توسط نیروهای امنیتی و مزدوران جمهوری اسلامی لحظه‌ای دست از دادخواهی و مبارزه برنداشته‌اند، از شنیدن خبر محکومیت مجدد جلال "برادر عباسی" بسیار شاد و مسرور شده‌اند. این عزیزان قطعاً رد این استیناف را به‌مثابه محکومیت هیئت مرگ و نیز محکومیت یکی از اعضای جنایت‌پیشه و رسوای آن بنام ابراهیم رئیسی، رئیس‌جمهور نظام فاشیست اسلامی در رأس دولت می‌دانند.

کمیته خارج سازمان فدائیان اقلیت، تأیید دوباره حکم ابد جلال حمید نوری توسط دادگاه سوئد را به‌مثابه محکومیت تمامی افراد در هیئت مرگ و نیز محکومیت یکی از اعضای جنایت‌کار و آدمکش آن بنام رئیسی و کلیت نظام فاشیست حاکم در ایران قلمداد می‌کند و خواهان محاکمه تمامی آمران و عاملین این کشتارها که در طول حیات ننگین جمهوری اسلامی نقش داشته‌اند را در دادگاه‌های انقلابی و مردمی می‌باشد.

کمیته خارج سازمان، این پیروزی را به‌تمامی زندانیان سیاسی جان بدر برده از زندان‌های ایران، شاکیان، شاهدان و همه خانواده‌های جانفشانان راه آزادی و سوسیالیسم تریک می‌گوید.

**سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی**  
**زنده‌باد آزادی - زنده‌باد سوسیالیسم**  
**برقرار باد حکومت شورانی**  
**کمیته خارج سازمان فدائیان (اقلیت)**  
**۲۰ دسامبر ۲۰۲۱**

پرونده در مورد جنایات جمهوری اسلامی بازگویی شد که حمید نوری به پشتوانه جمهوری اسلامی که همچنان نظام مستقر در ایران است، همه را انکار کرد، اما در دادگاه‌های واقعی و مردمی بعد از سرنگونی جمهوری اسلامی این امکان برای خانواده‌های دغدار و عموم توده‌های مردم ایران فراهم خواهد شد تا به عمق جنایات جمهوری اسلامی واقف گردند. با سرنگونی جمهوری اسلامی دیگر هیچ راهی برای انکار و کتمان حقیقت از طرف جانپان و آدمگشسان این رژیم باقی نخواهد ماند. تنها در دادگاه‌های مردمی داخل کشور است که آمران و عاملان قتل‌عام زندانیان سیاسی و کشتار توده‌های مردم ایران، دست همدیگر را رو خواهند کرد و هرکدام برای نجات خود دیگران را آمر و عامل کشتار مردم معرفی خواهند کرد. در آنجاست که تمام رازهای سر به مهر درد و رنج و کشتار تمامی این سالهای تلخ سپری شده بر ملا و عمق فاجعه برای همگان در ایران و جهان روشن خواهد شد.

صدور حکم حبس ابد برای حمید نوری، اگرچه به منزله محکومیت دستگاه سرکوبگر قضایی جمهوری اسلامی و فراتر از آن محکومیت هیأت حاکمه است، اما صدور این حکم نباید جنبش دادخواهی و ذهنیت مبارزاتی توده‌های مردم ایران را به توهمات حقوق بشری دولت‌های اروپایی آلوده کند. دولت‌های اروپایی به کرات نشان داده‌اند که در زد و بند با جمهوری اسلامی ید طولایی داشته و دارند که معاوضه اسدالله اسدی، دبیرمات تروریست جمهوری اسلامی که به ۲۰ سال حبس محکوم شده بود، با یک شهروند بلژیکی نمونه بارز و آشکاری از اینگونه زد و بندهای سیاسی دولت‌های اروپایی با جمهوری اسلامی است.

با محکومیت حمید نوری در دادگاه فرجام‌خواهی، اکنون کار دستگاه قضایی سوئد به پایان رسیده است و چنانچه پرونده او با درخواست وکلای حمید نوری به دادگاه عالی ارسال نشود و یا در صورت ارسال به دادگاه عالی، حکم حمید نوری مجدداً تأیید گردد، کار دادگاه و دستگاه قضایی سوئد در این پرونده به کلی پایان خواهد یافت و از آن پس حمید نوری جهت اجرای حکم به دولت سوئد تحویل داده خواهد شد. درست در همین جاست که دست دولت سوئد همانند همه

دولت‌های اروپایی باز خواهد بود تا حمید نوری را با زندانیان دو تابعیتی سوئدی - ایرانی نظیر مجدرضا جلالی که اکنون با حکم دستگاه قضایی جمهوری اسلامی در شرف اعدام است و یا دیگر شهروندان سوئدی محبوس در زندان‌های ایران نظیر کارمند سوئدی تبار اتحادیه اروپا که هم‌اینک با اتهام سنگین "افساد فی الارض" مواجه است، معاوضه کند. امری که با توجه به سوابق دولت‌های اروپایی همیشه محتمل است. اما، جنبش دادخواهی که برای یک دادخواهی بزرگ و تاریخی جهت محاکمه و مجازات جنایتکاران جمهوری اسلامی در دادگاه‌های مردمی داخل

جنایتکاران ادامه دهد و مطمئناً هم ادامه خواهد داد.

**پی‌نوشت:**

\*اعضای هیأت مرگ زندان گوهردشت که از طرف خمینی انتخاب شده بودند، شامل: حسینعلی نیری (حاکم شرع وقت)، مرتضی اشراقی (دادستان وقت تهران)، ابراهیم رئیسی (معاون وقت دادستان و رئیس جمهور فعلی) و مصطفی پورمحمدی (نماینده وقت وزارت اطلاعات و وزیر دادگستری در کابینه اول حسن روحانی) بودند.

ایران مبارزه می‌کند، هرگز نباید اسیر توهمات حقوق بشری گردد. جنبش دادخواهی مردم ایران، صرف نظر از اینکه بعد از این برای حمید نوری چه اتفاقی خواهد افتاد، صرف نظر از اینکه حمید نوری با شهروندان سوئدی گروگان گرفته شده توسط جمهوری اسلامی، معاوضه خواهد شد یا نه، باید بتواند با انرژی و شادمانی حاصل از محکومیت حمید نوری و با عزمی استوارتر از پیش به مبارزات خود برای سرنگونی جمهوری اسلامی و برپایی دادگاه‌های واقعی در ایران جهت محاکمه و مجازات تمامی

## در سوگ رفیق محمد سلطانی

با تأسف فراوان به اطلاع می‌رساند، رفیق محمد سلطانی (ایوب مدائن) یکی از مبارزان کمونیست و انقلابی که تمام زندگی اش را به نبرد علیه سرمایه داری و امپریالیسم و ارتجاع اختصاص داده بود، سرانجام در ظهر روز بیستم دسامبر ۲۰۲۳ (۲۹ آذر ۱۴۰۲) پس از یکدوره مقاومت سخت در برابر اختاپوس سرطان در ۶۷ سالگی چشم از جهان فرو بست. او آنگاه که متوجه شد که سلول های سرطانی تمام وجودش را فرا گرفته برای وداع با رفقای سازمان، آنها را در شهر هانوفر ملاقات کرد و با تک تک آنان وداع گفت و آرزوی پیروزی برای سازمان و طبقه کارگر کرد. او که همواره به آرمان های طبقه کارگر وفادار بود، در این راه بسیار دقیق و سختکوش بود. از جمله رفقای بود که با رنج توده های زحمتکش آشنا بود، درد مردم را می شناخت و بر بستر آگاهی طبقاتی و سوسیالیستی با درد و رنج آنان زندگی کرد.

رفیق ایوب در جوانی با سوسیالیسم آشنا شد و پس از انقلاب فعالیت سیاسی و مبارزاتی خود را در صفوف سازمان چریک های فدایی خلق ایران آغاز کرد و به هنگام انشعاب بزرگ سازمان در خرداد ۱۳۵۹ در یک مرزبندی قاطع با جناح رفرمیست و ضد انقلابی «اکثریت»، بی درنگ به جناح اقلیت انقلابی پیوست. رفیق ایوب با برخورداری از خصوصیات انقلابی و اخلاق کمونیستی در شرایط دشوار بعد از وقایع ۳۰ خرداد ۶۰، تا سال ۶۴ تحت سخت ترین شرایط امنیتی و شدیدترین کنترل پلیسی، به فعالیت سوسیالیستی و طبقاتی خود ادامه داد و در این

سال اجبارا کشور را ترک کرد و در شهر هامبورگ آلمان اسکان گزید. او در خارج از کشور نیز با تمام توان به فعالیت تشکیلاتی خویش در سازمان فدائیان - اقلیت ادامه داد و بعدها به هسته ی اقلیت پیوست و چندی با آن به فعالیت سیاسی ادامه داد. او که همواره خود را عضوی از سازمان فدائیان- اقلیت می دانست و بیشترین فعالیت سیاسی خود را با آن داشت و در بسیاری از مصاحبه های تلویزیون دمکراسی شورایی شرکت داشت، در بیشتر کنفرانس های دو سالانه ی اقلیت حضور می یافت و فعالانه نظرات خود را در مباحث آن مطرح می نمود. رفیق محمد در سال های زندگی در هامبورگ، نقش پر رنگی در تاسیس، سازماندهی و ادامه کاری «شورای فعالین سوسیالیست و آزادی خواه ایران - هامبورگ» داشت، آنگونه که کلمه کمونیم در این شهر با نام او تداعی می شد. بی تردید نقش مبارزاتی او علیه جمهوری اسلامی و نظام سرمایه داری و امپریالیسم هرگز از یادها نخواهد رفت.

بدین وسیله از دست دادن رفیق محمد سلطانی عزیز را به خانواده گرامی او و مهمی رفا و دیگر همزمان او تسلیت می گوئیم و خود را در اندوه فقدان این رفیق مبارز شریک می دانیم. یادش عزیز و خاطره اش گرامی باد



برای ارتباط با سازمان فدائیان (اقلیت) نامه‌های خود را به آدرس زیر ارسال نمایید.

سونیس:

Sepehri  
Postfach 410  
4410 Liestal  
Switzerland

کمک‌های مالی خود را به شماره حساب بانکی زیر واریز و رسید آن را به همراه کد مورد نظر به یکی از آدرس‌های سازمان ارسال کنید.  
شماره حساب:

نام صاحب حساب : Stichting ICDR

NL08INGB0002492097  
Amsterdam, Holland

نشانی ما بروی اینترنت:

<https://www.fadaian-minority.org>

پست الکترونیک E-Mail:

[info@fadaian-minority.org](mailto:info@fadaian-minority.org)

کانال آرشیو نشریه کار ارگان سازمان فدائیان (اقلیت) در تلگرام:

<https://t.me/karfadaianaghaliyat>

آدرس کانال سازمان در تلگرام:

[http://T.me/fadaian\\_aghaliyat](http://T.me/fadaian_aghaliyat)

آدرس سازمان در اینستاگرام:

<https://www.instagram.com/fadaianaghaliyat/>

آدرس سازمان در توئیتر

<https://twitter.com/fadaiana>

آدرس سازمان در فیس بوک

<https://www.facebook.com/fadaian.aghaliyat>

آدرس نشریه کار در فیس بوک

<https://www.facebook.com/kar.fadaianaghaliyat>

ای میل تماس با نشریه کار:

[kar@fadaian-minority.org](mailto:kar@fadaian-minority.org)

**KAR** Organization  
Of Fadaian (Aghaliyat)  
No 1050 December 2023



## تلویزیون دمکراسی شورایی

فریاد رسای کارگران و تمامی انسانهای زحمتکش و ستم دیده ای است که برای آزادی و سوسیالیزم پیکار می کنند

## بینندگان تلویزیون دمکراسی شورایی، دوستان، رفا و همراهان

تلویزیون دمکراسی شورایی در روزهای دوشنبه، چهارشنبه و جمعه از ساعت هشت تا نه و نیم شب و در روزهای سه شنبه، پنجشنبه، شنبه و یکشنبه از ساعت شش و نیم تا هشت شب به وقت ایران، برنامه های خود را به مدت ۹۰ دقیقه روی شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی در ماهواره یاه ست پخش می کند .

برنامه های تلویزیون دمکراسی شورایی را همچنین می توانید در سایت سازمان فدائیان (اقلیت) و شبکه های اجتماعی فیسبوک، تلگرام، اینستاگرام و یوتوب نیز دنبال کنید. مشخصات تلویزیون دمکراسی شورایی را به اطلاع دوستان و آشنایان خود برسانید . مشخصات ماهواره های شبکه تلویزیونی آلترناتیو شورایی

### Alternative Shorai

Satellite: Yahsat

Frequency: 12594

Polarization: Vertical / عمودی

Symbol Rate: 27500

FEC: 2/3

آدرس ایمیل تلویزیون دمکراسی شورایی: [tvshorashora@gmail.com](mailto:tvshorashora@gmail.com)

شماره تلفن : ۰۰۴۵۳۶۹۹۲۱۸۷

سرنگون باد رژیم جمهوری اسلامی - برقرار باد حکومت شورایی